آرشیوهای گویا؛ پژوهشهای اسنادی

نیکبخت، رحیم

تاریخ کتبی، تاریخ اسنادی و تاریخ شفاهی هم‌اکنون سه روش تاریخنگاری هستند که هرکدام به نوع خاصی و در جایگاه خویش اعتبار دارند و مورد استفاده‌اند؛ اما دو روش اسنادی و شفاهی تاریخ‌نگاری که هم‌اکنون موج تازه‌ای را در تدوین و مطالعه تاریخ ایجاد کرده‌اند، در کشور ما مستقیما تحت تاثیر وقوع پدیده‌ای به‌نام انقلاب اسلامی قرار دارند. گردآوری، ضبط و انتشار اسناد به‌دست‌آمده از سازمانهای امنیتی، سیاسی و انتظامی و... پیش از انقلاب و همچنین اسناد به‌دست‌آمده از سفارت امریکا، پس از انقلاب اسلامی مورخان را در زمینه پژوهشهای اسنادی و تکمیل این نحوه پژوهش بسیار یاری نموده است. تا پیش از وقوع انقلاب اسلامی، گذشته‌ازآن‌که دستیابی مورخان به اسناد تاریخی با این گستردگی نبود، از این اسناد صرفا در راستای تاریخ‌نگاری کتبی و برای کمک به تحلیلهای مورخ کتبی‌نگار بهره گرفته می‌شد اما پس از انقلاب اسلامی، به لحاظ آن‌که بسیاری از شخصیتهای موثر و فعال عرصه انقلاب خود شخصا حضور داشتند، به لحاظ تقارن میان این واقعه و امکان استفاده گسترده از اسناد، پژوهشهای زیادی با تلفیق پژوهشهای اسنادی و تاریخ شفاهی در داخل و خارج از کشور صورت گرفت. گرچه گسترش تاریخ شفاهی در خارج از مرزها نیز وجود و حضور خود را مدیون انقلاب اسلامی است، اما فعالیتهای آنها اغلب به نیت تطهیر خود و تیره‌نمایی انقلاب صورت می‌گیرد. در مقاله زیر سهم اسناد در تدوین درست و علمی تاریخ شفاهی ــ به‌عنوان مکمل این نحوه تاریخ‌نگاری ــ به اختصار تبیین شده است.

در پژوهشهای جدید در کنار منابع کتابخانه‌ای، دو منبع دیگر نیز وجود دارد که در دوران معاصر از اهمیت و جایگاهی ویژه برخوردار شده‌اند: 1ــ اسناد 2ــ منابع شفاهی. هرکدام از این منابع دوگانه، از کارایی خاصی برخوردارند؛ چنان‌که اطلاعات موجود در آنها، به‌سختی در منابع کتابخانه‌ای یافت می‌شوند.

گرچه در گذشته تاریخی ایران نقل اقوال شفاهی و ثبت آنها متداول و مرسوم بوده است اما استفاده از ضبط‌صوت برای گردآوری منابع شفاهی، شیوه‌ای جدید و دستاورد پیشرفت تکنولوژی محسوب می‌شود. گذشتگان درواقع با ثبت و نگارش همین اقوال شفاهی تاریخ مکتوب را به وجود آورده‌اند، اما آنچه امروزه متداول و مرسوم است قابل تعمیم به گذشته نیست. این مقاله به بیان نقش و اهمیت اسناد مکتوب مربوط به وقایع و حوادث تاریخی در مراحل مختلف انجام تاریخ شفاهی می‌پردازد. به‌هرحال در وقایع تاریخی، خواه‌ناخواه پاره‌ای اسناد مکتوب تولید می‌گردد که این اسناد به جهت تعیین زمان، مکان و نحوه وقوع حادثه، به تکمیل پازل اطلاعات‌گردآمده توسط تاریخ شفاهی کمک شایانی می‌کنند؛ زیرا در داده‌های تاریخ شفاهی تعیین زمان، مکان، کیفیت و نحوه بروز حوادث به پایه دقت موجود در اسناد نمی‌رسد؛ ضمن‌آن‌که در تدوین تاریخ شفاهی، کیفیت و کمیت داده‌ها به تناسب جایگاه راوی تغییر می‌کند. به‌علاوه، کسانی‌که در فرایند جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز برای تدوین تاریخ شفاهی مورد مصاحبه قرار می‌گیرند، نحوه وقوع و نیز نتایج حاصله از یک حادثه یا واقعه‌ را از زوایای مختلف بیان می‌کنند. بدین لحاظ اسناد در تکمیل داده‌های تاریخ شفاهی و در مراحل مختلف انجام آن ــ چه در مرحله گردآوری اطلاعات شفاهی، چه به هنگام شناسایی افراد دخیل در حادثه برای انجام مصاحبه و یا در مرحله تدوین و نگارش تاریخ شفاهی ــ از اهمیت بسیاری برخوردار هستند.

پرواضح است موضوعاتی که تاکنون جهت طرح به صورت تاریخ شفاهی در نظر گرفته شده‌اند، به نیم قرن اخیر و به ویژه به دوران انقلاب اسلامی مربوط می‌شوند؛ زیرا امکان گردآوری خاطرات شفاهی قبل از این مقطع زمانی، به دلایل متعدد امکان ندارد و در مسائل و وقایع ماقبل این مقطع باید به منابع مکتوب یا اسناد اتکا نمود.

پیروزی انقلاب اسلامی در سال1357، ضمن‌آن‌که تحولی مهم در عرصه سیاست جهانی بود، به لحاظ تاریخ‌نگاری نیز تاثیرات مهمی در عرصه پژوهش و تحقیق به بار آورد؛ چنان‌که با ورود دو گونه منبع جدید به عرصه پژوهش (اسناد دولتی نهادهای سیاسی ــ امنیتی و خاطرات شفاهی) در عرصه مطالعات دگرگونی اساسی رخ داده است. تا پیش از انقلاب برخی اسناد که اغلب متعلق به خاندانهای دورة قاجاریه بودند مورد استفادة پژوهشگران واقع می‌شدند اما حجم انبوه اسناد سازماندهی‌شده در مرکزی چون سازمان اسناد و کتابخانه ملی یا مراکز دیگری چون نهاد ریاست جمهوری، مرکز اسناد انقلاب اسلامی و یا آرشیو وزارت امورخارجه به‌هیچ‌وجه با پیش از انقلاب اسلامی قابل‌مقایسه نیست، ضمن‌آن‌که پس از انقلاب دستیابی به اسناد این مراکز به‌سهولت امکان‌پذیر است. دسترسی محققان و پژوهشگران به حجم انبوهی از اسناد، ضمن‌آن‌که زوایای بسیاری از تاریخ معاصر ایران را روشن می‌سازد، گونه‌ای پژوهش را به وجود آورده است که اتکای اصلی آن بر پایه اسناد می‌باشد و می‌توان از آن تحت عنوان «پژوهشهای اسنادی» یاد کرد.

توجه به خاطرات شخصیتهای دخیل در حوادث تاریخی در تاریخ ایران سابقه‌ای بس کهن دارد؛ چنان‌که بسیاری از منابع مهم مکتوب ما از به‌کتابت‌درآمدن دیده‌ها و شنیده‌ها به وجود آمده‌اند. درج اخبار متفاوت به نقل از راویان متعدد در واقعه‌ای واحد را در منابعی چون طبری می‌توان یافت. آنچه این سنت قدیمی را از تاریخ شفاهی یا Oral History کنونی متمایز می‌سازد، استفاده نظام‌مند تاریخ شفاهی از خاطرات افراد مختلف در تشریح و ضبط واقعه‌ یا موضوعی خاص در مراحل مختلف گردآوری اطلاعات (مصاحبه، پیاده‌سازی و تدوین و نگارش) می‌باشد. در شیوه سنتی تاریخ‌نگاری ما، حوادث و وقایعی که از قول شفاهی به کتابت درآمده‌اند، همگی درواقع صرفا اقوال موجودی بوده‌اند که مورخ آنها را ثبت کرده است، زیرا وی در پی آن نبوده است که شاهدان یک حادثه را بیابد و موضوع را از زبان آنها روایت کند. درحالی‌که ضبط‌صوت یا ابزار ثبت تصویر خاطرات در قالب نوار کاست یا فیلم ویدیویی، و نیز کیفیت و کمیت ضبط این ادوات، همچنین قابلیتهای آرشیو و نحوه ارجاع به آنها،تاریخ شفاهی را از وجوه امتیاز خاصی در گردآوری اطلاعات برخوردار ساخته است.

انقلاب اسلامی، همانگونه‌که در عرصه پژوهشهای اسناد، واقعا یک انقلاب به وجود آورد، در عرصه خاطره‌نگاری و پیدایش یا تکامل و نضج‌گیری تاریخ شفاهی در داخل و خارج از ایران نیز نقشی عمده و اساسی ایفا کرد.

مهمترین وجه تمایز تاریخهای شفاهی داخل و خارج از ایران، به هویت و ماهیت راویان آنها برمی‌گردد؛ به‌این‌معناکه راویان تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد یا تاریخ شفاهی جنبش چپ ایران، هر یک به‌گونه‌ای با انقلاب اسلامی موضع خصمانه دارند و یا از کسانی هستند که پیش از انقلاب در هیات حاکمه پهلوی جای داشته‌اند و یا افرادی هستند که پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی با آن مشکل اعتقادی و... پیدا کرده‌اند، حال‌آنکه راویان داخل ایران را مردمِ انقلابی تشکیل می‌دهند.

اولین فعالیتها در راستای پرداختن به تاریخ شفاهی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در قالب انتشار یادنامه‌هایی حاوی خاطرات شخصیتهای موثر در پیروزی این واقعه بود که در مناسبتهای ویژه انقلاب اسلامی منتشر می‌شدند. نخستین تلاش از این نوع، که هم به لحاظ علمی و هم عملی در عرصه تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی قابل توجه است، در مجله «یاد» ــ از نشریات بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ــ صورت گرفت. قدمهای بعدی مستحکم‌تر برداشته شد. مجموعة «خاطرات 15 خرداد» شامل نُه دفتر، و آثاری چون تاریخهای شفاهی انقلاب اسلامی که در مرکز اسناد انقلاب اسلامی به انجام رسید، از جمله تلاشهای بعدی به‌شمار می‌روند که مسیر تکاملی این فرایند را شکل داده‌اند.

جایگاه اسناد در تاریخ شفاهی

میزان اعتبار و نیز تاثیرگذاری اسناد تنظیم‌شده توسط نهادهای مختلف بسته به نوع نهاد و سازمان تولیدکننده، نزدیکی یا دوری گزارش‌‌کننده به حادثه یا موضوع مورد مطالعه در تاریخ شفاهی، تعلقات درونی گزارشگر و میزان اشراف وی بر موضوع گزارش و نیز سطح آموزش ماموران مرتبط با مساله، می‌تواند متفاوت باشد. بنابراین لازم است که پژوهشگر تاریخ اشراف کاملی به اسناد داشته باشد و با تکیه بر بررسیهای لازم، به‌خوبی واقف باشد که کدام‌یک از اسناد واجد یا فاقد اعتبار هستند تا بتواند درخصوص استفاده یا عدم استفاده از آنها در مراحل مختلف انجام تاریخ شفاهی تصمیم‌گیری کند. درکل موارد کاربرد اسناد حائز اعتبار و قابل استفاده در روایت تاریخ شفاهی را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

1ـ‌ـ کاربرد اسناد در تاریخ شفاهی برای تعیین دقیق زمان حادثه و مکان وقوع آن می‌باشد؛ زیرا در تاریخ شفاهی در اغلب موارد نمی‌توان تاریخ دقیق وقوع را از اقوال مختلف استخراج نمود بلکه روایات موجود گاه ضد و نقیض دیده می‌شوند.

2ــ پس از مشخص‌شدن زمان و مکان وقوع حادثه، اسناد مکتوب به شناسایی منابع شفاهی مورد نیاز کمک شایانی می‌کنند، زیرا براساس اسناد است که مشخص می‌شود چه افراد یا گروههایی در هنگام حادثه حضور داشته‌اند. همچنین از اسناد مکتوب برای شناسایی افراد برای انجام مصاحبه (اعم از شفاهی یا مکتوب) می‌توان بهره برد.

3ــ در جریان مصاحبه و طرح سوال از شاهدان حادثه، بازهم اسناد جایگاهی ویژه می‌یابند؛ زیرا با داده‌های حاصله از خلال این اسناد درخصوص کمیت و کیفیت واقعه، محقق می‌تواند زوایای مبهم و سوال‌برانگیز واقعه را روشن کند.

4ــ همچنین پس از انجام مصاحبه و مراحل آماده‌سازی خاطرات شفاهی جهت استفاده و تدوین تاریخ شفاهی، اسناد برای سازماندهی فصول و مطالب به یاری محقق می‌آیند؛ زیرا براساس خاطرات نمی‌توان ترتیب وقوع حوادث را به‌دقت مشخص ساخت و چه‌بسا این تسلسل به هنگام نقل روایات پس و پیش شده‌ باشد، درحالی‌که در اسناد، تاریخ دقیق حادثه در اغلب موارد یافت می‌شود و لذا به محقق اجازه می‌دهد مطالب و خاطرات شفاهی را به‌گونه‌ای زمانمند مرتب کند.

5ــ مهمترین کاربرد اسناد، در مرحله تدوین تاریخ شفاهی است. بی‌شک چنانچه محقق از اسنادی که به صحت آنها یقین دارد، استفاده نکند، حاصل کار او در تدوین تاریخ شفاهی تاریخ معاصر و به ویژه انقلاب اسلامی ناقص خواهد بود؛ زیرا خاطرات شفاهی به‌دست‌آمده از راویان مختلف یک موضوع یا واقعه خاص، درواقع با نظر به اسناد دور و نزدیک به حادثه و نیز دیگر مسایل مربوط به اسناد، طبقه‌بندی و اعتبارگذاری می‌شوند. به‌هرحال اثبات صحت و سقم داده‌های شفاهی از راههای گوناگونی قابل بررسی است که توجه به اسناد مکتوب و سنجش اطلاعات شفاهی بر مبنای تطبیق با این منابع، یکی از این راهها است و محقق تاریخ شفاهی ناگزیر از انجام آن خواهد بود.

در تاریخ شفاهی به حوادث قبل از وقوع (پشت صحنه حادثه)، چگونگی شکل‌گیری، زمینه‌ها، ماهیت موضوع، عوامل تاثیرگذار در موضوع، وقوع حادثه (با تسامح در زمان، مکان و تسلسل تاریخی آن) و نیز به پیامدهای آنی و بلندمدت موضوع پرداخته می‌شود. همچنین اسناد در کنار این مسایل، لحظه وقوع حادثه، کمیت و کیفیت حادثه، افراد حاضر در صحنه، پیگیریهای صورت‌گرفته، اقدامات انجام‌شده و عکس‌العمل نهادهای ذیربط را با ترتیب تاریخی روشن می‌کنند. علاوه‌براین، چنانچه در برخی موارد حوادث خاصی از یاد شاهدان رفته و یا کمرنگ شده باشد، اسناد به تکمیل این «از یاد رفته‌ها» می‌پردازند.

نتیجه

پیروزی انقلاب اسلامی تاثیر شگرفی در شیوه‌های تاریخ شفاهی ــ چه در داخل و چه در خارج از کشور ــ برجای گذاشت. در داخل، بازشدن آرشیوهای نهادهایی چون سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک)، شهربانی کل کشور و سازمان قضایی نیروهای مسلح بر روی محققان، فعالیت چشم‌گیر مراکزی چون مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، مرکز اسناد نهاد ریاست جمهوری و... پژوهشهای سندمحور را در وسعتی غیرقابل‌قیاس با گذشته رایج گردانید. ازسوی‌دیگر ماهیت انقلاب و نیز مردمی و معاصربودن آن، و همچنین حضور زنده اغلب عناصر اصلی این حرکت اصیل اسلامی، امکان داد خاطرات شفاهی به‌شکل‌بی‌سابقه‌ای مورد توجه قرار گیرد. همزمان، ضرورت تدوین مجموعه‌هایی تاریخی براساس خاطرات شفاهی احساس گردید که حاصل آن در سالهای اخیر نزدیکی هرچه بیشتر میان اسناد و تاریخ شفاهی و ظهورگونه تکامل یافته‌تری از پژوهشهای تاریخی می‌باشد.